

مدیرعامل صندوق اعتباری هنر:

۹ هزار نفر از تسهیلات صندوق بهره گرفتند



مدیرعامل صندوق اعتباری هنرگفت: افزون بر ۹ هزار نفر امسال از تسهیلات معیشتی و کارآفرینی صندوق اعتباری هنر بهره گرفتند.

سید مجید پورا احمدی روز پنجشنبه در حاشیه گردهمایی نمایندگان استانی صندوق اعتباری هنر در کشور که در محل هتل فرهنگ و هنر مشهد برگزار شد افزود: اکنون این صندوق از ۹۶ هزار عضو فعال برخوردار است و بزرگ‌ترین مجموعه حمایتی اهالی فرهنگ و هنر و رسانه کشور محسوب می‌شود.

وی ادامه داد: از این تعداد بیش از ۵۰ هزار نفر زیر پوشش بیمه تأمین اجتماعی، ۴۲ هزار نفر زیر پوشش بیمه تکمیلی، سه هزار نفر مستمری بگیر و ۶۰۰ نفر زیر پوشش طرح تکريم قرار دارند. او به دیگر طرح‌های صندوق اعتباری هنر اشاره و بیان کرد: از مهرماه سال گذشته تا کنون هزار و ۶۰۰ نفر از اهالی فرهنگ‌و هنر در کشور از هدایای ازدواج و فرزندآوری طرح‌های «شمیم‌و جوانه» بهره‌مند شده‌اند که بیش از ۸۰ درصد از آنان در تقاطعی غیر از استان تهران مستقر بوده‌اند.

مدیرعامل صندوق اعتباری هنر گفت: ارتباطات مالی صندوق با اعضای خود از طریق هنر کارت میسر است و همه خدماتی که قرار است در قالب هنر کارت به اعضا ارائه شود از طریق یک بستر مجازی که برای صندوق طراحی شده است اطلاع‌رسانی می‌شود از جمله انواع خدمات اقامتی، فروشگاه‌ی و درمانی که قرارداد آن با مراکز مختلف منعقد شده است و از ابتدای سال آینده اطلاع‌رسانی خواهد شد. پورا احمدی افزود: براساس قرارداد‌های منعقد ه بخش‌های مختلف، از ابتدای سال آینده خدمات «هنر کارت» افزایش می‌یابد و طی روزهای آینده زیرساخت‌های فنی برای دریافت خدمات مزبور از هنر کارت تکمیل و آماده استفاده برای دارندگان هنر کارت از سال آینده خواهد بود.

وی اضافه کرد: هم اکنون دارندنده هنر کارت از خدماتی در حوزه های رفاهی و درمانی و خدماتی برخوردار است، اما دارندگان هنر کارت می‌توانند از خدماتی مانند «برگشت نقدی» یا استفاده از تخفیفات فروشگاه‌ی که ذیل خدمات هنر کارت تعریف شده است و فهرست فروشگاه‌های آن به زودی روی سایت «هنر کارت» قرار می‌گیرد نیز بهره‌مند شوند.

در آستانه نوزدهمین سالروز تأسیس نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور

طرح «کتابخانه‌گردی» در سراسر کشور برگزار می‌شود



هم‌زمان با نوزدهمین سالروز تأسیس نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، طرح «کتابخانه‌گردی، طی دو روز در شماری از کتابخانه‌های مرکزی، کتابخانه‌های اصلی شهرستان‌ها و کتابخانه‌های دارای خدمات شاخص با حضور مسئولان و فعالان فرهنگی برگزار می‌شود.

به گزارش ایرنا از در آستانه روز هفدهم اسفندماه و فرارسیدن نوزدهمین سالروز تأسیس نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، طرح کتابخانه‌گردی با دعوت از نهاده‌ا، سازمان‌ها و اقشار مختلف مردم و علاقه‌مندان کتاب و کتاب‌خوانی در روزهای پانزدهم و شانزدهم اسفندماه در شماری از کتابخانه‌های مرکزی، کتابخانه‌های اصلی شهرستان‌ها و کتابخانه‌های دارای خدمات شاخص در سرتاسر کشور برگزار می‌شود. طبق برنامه‌ریزی‌های انجام شده، برنامه‌های طرح کتابخانه‌گردی در اسفندماه ۱۴۰۱ با همکاری ادارات کل میراث فرهنگی، گردشگری، صنایع دستی، آستان قدس رضوی و شهرداری‌ها برگزار خواهد شد. افتتاح و بازگشایی کتابخانه‌ها، اجرای طرح اهدای کتاب، اهدای دانایی، برگزاری نشست مطالبه‌گری فرهنگی، برپایی نمایشگاه صنایع فرهنگی و کسب‌وکارهای محلی، اجرا و هم‌خوانی سرود با موضوع کتاب و... بخشی از برنامه‌های دنظرگرفته شده برای ایام سالروز تأسیس نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور است.

زین قنبر

علیرضا حیدری|مدرس ویراستاری

- این روزها زیاد می‌بینیم و می‌شنویم که «به پیشواز بهار برویم»؛ حال سؤال این است که «پیشواز» درست است یا «پیشباز».**

👇 نکته

در نگاه اول هم «پیشباز» درست است و هم «پیشواز»؛ اما «پیشباز» در متن‌های گذشته به کسی گفته می‌شد که به استقبال مسافر یا مهمان می‌رفت و از فرط خوش حالی قیابش را از جلوی می‌گشود. امروز آن کاربرد کناییِ کلمه وجود ندارد و از طرفی به لحاظ آوایی «پیشواز» برای فارسی زبان امروز تلفظ آسان‌تری دارد. بنابراین در فارسی معیار امروز «پیشواز» درست است.

#زین_قنبر_پارسی

ولحن آب و زمین را چه خوب می‌فهمید

طبیعت را به اشعارش آورد و با این افسون اشعارش را در اذهان به جا گذاشت. حالا کدام بزرگ و کوچکی است که نخوانده یا نشنیده باشد «آب را گل نکنیم»ش را یا «صدای تو سبزینه آن گیاه عجیبی است که در انتهای صمیمیت حزن می‌روید» یا «نرسیده به درخت، کوچه‌باغی است که از خواب خدا سبزر است». پیوند سهراب سپهری با طبیعت در «رؤیای سهراب» نیز، فیلمی به کارگردانی علی قوی‌تن، که چندی پیش روی پرده سینماها قرار داشت، به خوبی عیان بود به طوری که یکی از تصاویر مکرر و مشهود آن سهراب نقاشی بود که بوم نقاشی را به دست می‌گرفت و می‌زد به دل طبیعت تا در جوار صدای آب و هم‌زیستی

چهره روز

طبیعت را به اشعارش آورد و با این افسون اشعارش را در اذهان به جا گذاشت. حالا کدام بزرگ و کوچکی است که نخوانده یا نشنیده باشد «آب را گل نکنیم»ش را یا «صدای تو سبزینه آن گیاه عجیبی است که در انتهای صمیمیت حزن می‌روید» یا «نرسیده به درخت، کوچه‌باغی است که از خواب خدا سبزرتر است». پیوند سهراب سپهری با طبیعت در «رؤیای سهراب» نیز، فیلمی به کارگردانی علی قوی‌تن، که چندی پیش روی پرده سینماها قرار داشت، به خوبی عیان بود به طوری که یکی از تصاویر مکرر و مشهود آن سهراب نقاشی بود که بوم نقاشی را به دست می‌گرفت و می‌زد به دل طبیعت تا در جوار صدای آب و هم‌زیستی

به مناسبت ۱۵ اسفند، روز درخت‌کاری نگاهی انداخته‌ایم به جایگاه طبیعت در ادبیات فارسی

درختی که پروردی آمد به بار

علیرضا حیدری

درنگ

«درخت» در زندگی بشر جایگاهی ویژه دارد و اشاره‌هایی که در قرآن نیز به درخت می‌بینیم، دربردارندهٔ معنا و مفهوم حیات، ثمردهی، قدرت خداوندی و نشانه‌ای برای تدبیر آدمیان است، در سورة انعام، آیهٔ ۹۹ چنین می‌خوانیم:

«وَأَوْسَتِ خُدَیْبِی کَهْ أَزْ أَسْمَآءَ بَرَآءَ فَرْوَبَآرْدَتَا هَرْ نَبَآتْ دَرْ آنْ بَرْوِآئِیمْ و سِیْزَه‌هَآ رَا اَزْ زَمِینْ بَیْرُونْ أَوْرِیمْ و دَرْ آنْ سِیْزَه‌هَآ، دَآنَه‌هَآیِی کَهْ رَوِیْ هَمْ چِیدَه شُدَه پَدِیدْ أَوْرِیمْ و اَز نَخْلْ خُوشَه‌هَآیِی پِیُوسْتَه بَه هَمْ بَرَانْکِیزِیمْ و نِیزْ بَسْتَانْ‌هَآیِی اَز تَاک‌هَآ، زَیتُونْ وَاَنَارْ کَهْ بَرخیْ مِشَآبَه‌وَبَرخیْ نَآمِشَآبَه‌هَمْ اَنَدْ، خَلْقْ کَنِیمْ، بَه مِیُوه‌هَآیِشْ اَنْگَآه کَه پَدِیدْ مِیْ اَینْدْ اَنْگَآه کَه مِیْ رَسَنَدْ، بَیْگَرِیدْ کَه دَرْ آنْ هَآ عِبْرَتْ هَآسْتْ

برای آنان که ایمان می‌آورند.»

بازتاب اهمیت درخت را می‌توان در آثار ادبی آن ملت یافت، نخل به دلیل اینکه همیشه سبز است برای مردمان مصر، بین النهرین و شبه جزیرهٔ عربستان از دیرباز جایگاه خاصی داشته است و در اشعار شاعران عرب به خوبی دیده می‌شود. همچنین درختی چون زیتون برای مردمان حاشیهٔ دریای مدیترانه، درختی مقدس است و نماد صلح و دوستی. در زبان فارسی و میان ایرانیان هم درخت علاوه بر اینکه نماد سرسبزی است، به‌ثمردهی و سایه‌بانی آن هم اشاره شده است و از سویی نماد عشق است.

«سرو» که در تمدن ایرانی، ظاهر مخروطی و شکل بته‌جقه‌ای دارد، تظاهری از شکل یک شعلهٔ آتش است و آن را به نماد آتش مقدس تبدیل کرد. «چنار» که کشاورزان آن را شاه درختان می‌خوانند، از قدیم مظهر بزرگی، باروری و سرسبزی بوده است و اصولاً درختان به‌ویژه درختان چناریکی از عناصر ثابت امامزاده‌ها و مکان‌های مقدس در ایران محسوب می‌شوند.

درخت در شعر و نثر فارسی هم بسامد

درخور توجهی دارد. نگاه از منظر حیاتی و

سرزندگی به گیاه و درخت از طرفی و نگاه

استعاره‌آمیز به آن در متون ادبی فارسی،

به‌ویژه در شعر باعث شده است، چه مطلق

درخت و چه انواعی از آن به نثر و نظم

فارسی راه یابد. از این رو، عباراتی چون

«درخت مهربانی، درخت بیداری، درخت

با دارودرخت‌ها طرح و نقشی روی بوم برند یا بسراید و بنویسد. هرچند سرودن همین اشعار لطیف و سرشار از زندگی، بارها و بارها زبان تند و تیز منتقدان را علیه او چرخاند که لزوم چنین سروده‌ها و چنین المان‌هایی در شرایط بحرانی سیاسی و اجتماعی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ چیست؟ رضا براهنی در بخشی از صحبت‌هایش درباره او و اشعارش می‌گوید:

«دنیای ما دنیای آشفته‌ای است و ما باید شاعر این دنیای آشفته به هم‌ریخته باشیم...

پشت کردن به این دنیا کار درستی نیست و متأسفانه

سپهری به این دنیای آشفته پشت کرده است... سپهری نشسته است و دست و روی خود را در حرارت یک سیب شسته است. تصویری است زیبا، ولی اگر لوله تفنگی یا طپانچه‌ای بر شقیقه راست آقای سپهری گذاشته می‌شد و هر لحظه امکان آن بود که ماشه چکانه‌شود، آیا آقای سپهری باز هم دست و رویش را در حرارت یک سیب شست‌وشو می‌داد؟» در این میان البته از نیمه‌هم باید نام برد، هم به‌عنوان کسی که پیشوای شعر نو بود و هم به‌عنوان کسی که به گفته بسیاری از منتقدان ردپای اشعار او در آثار سهراب مشخص است و علاوه بر این، خودش هم پیوند پررنگی با طبیعت داشته و علقه‌اش به ده آب‌و اجدادی‌اش نیز گواه همین است.
نیم‌ا معتقد است: «... هیچ حسی برای شعر و شاعر بالاتر از این نیست که بهتر بتواند طبیعت را تشریح کند و معنی را به طور ساده جلوه بدهد... طبیعت و سرودن از طبیعت شکوه آن، در سبک خراسانی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. سبکی که یکی از سردمداران آن را باید منوچهری دامغانی دانست که به وفور در سروده‌هایش عناصر طبیعت به‌چشم می‌خورد و شاید عامه او را این بیت معروفش به یاد می‌آوردند: «خزید و خز آرید که هنگام خزان است/ باد خنک از جانب خوارزم وزان است.»



هنرها و دانش ز دیدار بیش خرد را پرستار دارد به پیش البته فردوسی در بیت‌های فراوانی به مطلق درخت با نگاهی اسطوره‌ای و از منظر قدرت، سایه‌افکنی، به ثمر نشستن تصمیمات و اندیشه‌ها، پایداری، طول عمر و... هم می‌نگرد:

در داستان پادشاهی کی کاووس و رفتن او به مازندران:

چو بشنید دستان بیچید سخت

تنش گشت لرزان بسان درخت

در داستان رستم و اسفندیار:

درختی گرفته به چنگ اندرون

بر او نشسته بسی رهنمون

چو بشنید رستم غمی گشت سخت

بلرزد بر سان شاخ درخت

در داستان فریدون می‌گوید:

کنون تاجت آوردم ای شاه و تخت

به بار آمد آن خسروانی درخت

ز تاج بزرگی گریزان مشو

فریدونت گاهی بیاراست نو

درختی که پروردی آمد به بار

این توجه به مطلق «درخت» در جاهایی

جنبهٔ تعلیمی نیز یافته است، چنان که

حافظ می‌گوید، درخت دوستی نشان

که کام دل به بار آرد

نهال دشمنی بر کن که رنج بی شمار آرد

و؛

نه ره درخت تحمل کند جفای خزان

غلام همّت سروم که این قدم دارد

و یا ناصر خسرو که می‌گوید:

درخت تو گر بار دانش بگیرد

به زیر آوری چرخ نیلوفری را

همین تفاوت نگاه را به راحتی می‌توان

در مولنای رها و عاشق و عارف دید که

می‌گوید:

درختان بین، درختان بین، همه صایم

همه قایم

قبول آمد، قبول آمد، مناجات صلاتی را

*

باغ سلام می‌کند سرو قیام می‌کند

سبزه پیاده می‌رود غنچه سوار می‌رسد

در شعر امروز و نگاهی که شاعران معاصر

به درخت دارند، بسط و گسترش معنایی

و تنوع آدمی در طبیعت و آخت شدن و سازگاری با محیط تا روایتی جنایی و عاشقانه را شامل می‌شود.

یکی از ویژگی‌های بارز رمان اوئینز توصیف مناظر طبیعی کارولینای شمالی در پوسته زیرین داستان

است، به‌طوری‌که خواننده شش دهه تفاوت طبیعت کارولینای شمالی را از نظر می‌گذراند. رمان «جایی که خرچنگ‌ها آواز می‌خوانند» سال ۲۰۱۸ روانه بازار

شد و به سرعت به یکی از پرفروش‌ترین‌های نیویورک تایمز تبدیل شد. سال ۲۰۲۲ میلادی، اولیویا نیومن،

فیلمی به همین نام و با اقتباس از این رمان ساخت که در فصل جوایز توانست نگاه منتقدان را به خود جلب کند. (منبع: طاقدچه)

بازتابندهٔ فرهنگ و تاریخ و اسطوره‌های

ایرانی است، چنان‌است که دکتر مهدخت

پورخالی چترودی، پژوهشی ویژه در این

باب کرده است و با چاپ کتابی مفصل به

ارزش‌های فرهنگی و نمادین درخت در

شاهنامه فردوسی پرداخته است. در این

کتاب پس از بررسی ارزش‌های فرهنگی

و نمادین درخت در شاهنامه، از ابتدای

شاهنامه شروع می‌کند و درختان شاهنامه

را بیرون کشیده و با شرحی بر آن و آوردن

بیت‌های شاهد، به شرح شخصیت‌ها

در قالب درخت می‌پردازد. این اثر ۵۷۰

درخت موجود در شاهنامه را برشمرده و به

تفسیر نمادین هریک از این درخت‌ها که

اغلب با یکی از پهلوانان شاهنامه ارتباط

می‌یابد، پرداخته است.

گویا شاهنامه پر از درختانی است که

کاشته می‌شوند و به بار می‌نشینند و

عمرشان به پایان می‌رسد. درختانی که

برخی بارشان مهر و برخی کین، برخی

خرد و برخی معرفت یا درخت کوتاه عمر

خوانده می‌شوند. بنابراین پژوهش، به‌طور

مثال آدم، درخت اندیشه و کردار است

و کیومرث، درخت نخستین و فریدون،

کیانی درخت وسیندخت. درخت معرفت،

فرنگیس هم درخت سرو و درخت دانشی

است که با سیاوش پیوند می‌بندد:

فرنگیس بهتر ز خوبان اوی

نبینی به گیتی چنان روی و موی

به بالا ز سرو سہی برتر است

ز مشک سیه بر سرش افسر است

از او دور شد دانش و فرهی

و یا در «ویس و رامین»، اسعد گرگانی

می‌خوانیم:

تورا در دل درخت مهربانی

به چه ماند؟ به گلزار خزان

مرا در دل درخت مهربانی

به چه ماند؟ به سرو بوستانی

کاربست همین «سرو» در نگاه سعدی

و تقدسی همانند «سرو» را نیز باید به این

زاویه دید‌ها افزود. چنان که درشاهنامه

فردوسی می‌توان به بازخوانی و دریافت

بن مایه‌های اسطوره شناختی سرو در

توصیفات، مضامین، تصاویر و صور خیال

آن پرداخت:

سخن هرچه گویم همه گفته‌اند

بر باغ دانش همه رفته‌اند

اگر بر درخت برومند جای

نیابم که از بر شدن نیست رای

کسی کو شود زیر نخل بلند

همان سایه زو بازدار گزند

توانم مگر پایه‌ای ساختن

بر شاخ آن سرو سایه فکن

و یا در داستان فریدون می‌گوید:

چو از آمدنشان شد آگاه سرو

بیاراست لشکر چو پر تذرو...

بیاراست گیتی بسان بهشت

به جای گیا، سرو گلبن بکشت

فردوسی در پایان رزم‌رستم و اسفندیار، آن

زمان که تبر به چشمانش می‌خورد، زمین

خوردن اسفندیار را چنین ترسیم می‌کند:

خم آورد اسفندیار سروسپهی

شده است. بخش ابتدایی رمان بی‌شباهت به تلفیق

رمان «سرگشتگی» و «سکوت‌رهایی» نیست. در رفت

و برگشت‌های روایت، متوجه می‌شویم که کیا کلارک

– دختر مرداب– از کودکی و پس از جدایی مادر و پدرش،

به همراه پدرش در میان جنگلی در کارولینای شمالی

زندگی می‌کند. روایت رفت و برگشتی در این رمان،

به گونه‌ای است که از کودکی تا بزرگسالی کیا کلارک

روایت می‌شود. حلقه اتصال میان گذشته و حال نیز

پیداشدن جسدی در میان مرداب کارولینا است که شک

و گمانی میان این جسد و کیا کلارک ایجاد می‌کند.

- پیرمرد و دریا

«پیرمرد و دریا» از جمله بهترین و مشهورترین

داستان‌هایی است که درباره رابطه میان انسان و طبیعت

نوشته است. اثر مشهور ارنست همینگوی سال ۱۹۵۲

میلادی به چاپ رسید و سال بعد، این رمان جایزه پولیتزر



فیلم تلویزیونی «پیرمرد و دریا» (۱۹۹۰) اثر جاد تیلور با بازی آنتونی کوئین اشاره کرد. رمان اوئینز در دو بخش مرداب و باتلاق روایت می‌شود و پهنه داستانی‌اش از تنهایی آدمی در طبیعت و آخت شدن و سازگاری با محیط تا روایتی جنایی و عاشقانه را شامل می‌شود. یکی از ویژگی‌های بارز رمان اوئینز توصیف مناظر طبیعی کارولینای شمالی در پوسته زیرین داستان است، به‌طوری‌که خواننده شش دهه تفاوت طبیعت کارولینای شمالی را از نظر می‌گذراند. رمان «جایی که خرچنگ‌ها آواز می‌خوانند» سال ۲۰۱۸ روانه بازار شد و به سرعت به یکی از پرفروش‌ترین‌های نیویورک تایمز تبدیل شد. سال ۲۰۲۲ میلادی، اولیویا نیومن، فیلمی به همین نام و با اقتباس از این رمان ساخت که در فصل جوایز توانست نگاه منتقدان را به خود جلب کند. (منبع: طاقدچه)

را از آن خود کرد و در نهایت زمینه‌ساز اهدای جایزه نوبل به همینگوی در سال ۱۹۵۴ شد. «پیرمرد و دریا»، داستان پیرمردی به نام سانتیاگو است که با شغل صیادی –ختر مرداب– از کودکی و پس از جدایی مادر و پدرش، به همراه پدرش در میان جنگلی در کارولینای شمالی

زندگی می‌کند. روایت رفت و برگشتی در این رمان،

به گونه‌ای است که از کودکی تا بزرگسالی کیا کلارک

روایت می‌شود. حلقه اتصال میان گذشته و حال نیز

پیداشدن جسدی در میان مرداب کارولینا است که شک

و گمانی میان این جسد و کیا کلارک ایجاد می‌کند.

رئالیسم شناسند. این رمان آن قدر با توجه همگان مواجه

شده که اقتباس‌های متعددی از این داستان همینگوی در

سینما و تلویزیون شد. از جمله مشهورترین اقتباس‌های

این داستان می‌توان به فیلم سینمایی «پیرمرد و دریا»

(۱۹۵۸) اثر جان استرجس با بازی اسپنسر ترسی و